

دعوا و جدایی ابراهیم گلستان و جلال آل احمد به خاطر فروغ فرخزاد

9 آذر 1404

داستان واقعا چه بود و این اختلاف از کجا نشأت می گرفت؟ اگر نخ داستان را بگیریم به یک نام می‌رسیم: فروغ فرخزاد.

عصر ایران نوشت:

ابراهیم گلستان و جلال آل احمد دو نام بزرگ تاریخ ادبیات و فرهنگ معاصر این سرزمین هستند. آن‌ها زمانی یار گرمابه و گلستان یکدیگر بودند. رفاقتشان از زمانی که هر دو عضو حزب توده بودند شکل گرفت و بعدها فارغ از نگاه و باورهای سیاسی که در هر دو تغییر کرد، رفاقتشان استوارتر هم شد.

در این میان ازدواج آل احمد با سیمین دانشور که هم چون گلستان شیرازی بود و خانواده اش رابطه نزدیک خانوادگی با خاندان گلستان داشت این رابطه را خانوادگی هم کرد. روابط این دو خانواده تا آن جایی گرم شد که فرزندان گلستان، جلال را عموی خود خطاب می کردند.

اما به یک باره و در اواسط دهه ۴۰ رابطه این دو به یک باره قطع شد و کنایه‌ها و متلک‌هایی که به واسطه و بی واسطه نثار یک دیگر می کردند نقل افواه مجالس و مهمانی‌های ادبی فرهنگی بود.

داستان واقعا چه بود و این اختلاف از کجا نشأت می گرفت؟ اگر نخ داستان را بگیریم به یک نام جذاب می‌رسیم: «فروغ فرخزاد»

اختلاف بر سر چه بود؟

بله پری غمگین شعر معاصر ایران که رابطه بسیار نزدیکی با ابراهیم گلستان بر کسی پوشیده نیست چندان در نگاه آل احمد انسان مقبولی نمی آمد. ساختار شکنی‌های فروغ فرخزاد در مقام یک زن و ورودش به زندگی ابراهیم گلستان، از نگاه جلال آل احمد کاری نابخشودنی بود و چندین و چند بار بر سر همین مسأله با گلستان بحث جدی کرده بود.

اما پرده آخر ارتباط این دو غول ادبی ایران در شبی رقم خورد که در خانه گلستان به افتخار بازگشت مسعود فرزانه نویسنده و مترجم برجسته از لندن یک مهمانی برگزار شد و در آن جا دعوی کلامی شدیدی بین آل احمد و گلستان شکل گرفت و رابطه شان برای همیشه قطع شد.

مدتی بعد فروغ در حادثه رانندگی فوت کرد و جلال هم دو سال بعدش از دنیا رفت و ابراهیم خان گلستان هم چندین دهه با یاد و خاطره این حکایت غم انگیز در عزلت سر کرد.